امام خمینی(ره): «عزیزان من! که امید نهضت اسلامی به شماست، در روز تعیین سرنوشت کشور بپاخیزید و به صندوق‌ها هجوم آورید و آرای خود را در آنها بریزید.»

مقام معظم رهبری: «صحنه انتخابات یکی از جدی ترین و پر شورترین و پر جاذبه ترین صحنه های مشارکت عمومی مردم است ... مردم باید آگاهانه پای صندوق‌های رای بروند و انتخاب کنند.»

۴

نگاه دیگران

تریبون هشتم

سید محمود میرلوحی*

مجلس قانونگذاری در بسیاری از کشورها نقش و جایگاه تریبون و تابلو برای نمایاندن و طرح مطالبات و دیدگاه‌های ملی را دارد. در تعداد زیادی از کشورها مجلس علاوه بر امر مهم قانونگذاری و نظارت بر عملکرد سایر بخش های حکومت نقش مرکزی در تاسیس و شکل گیری سایر قوا را نیز به عهده دارد. در پاکستان، ترکیه و ایتالیا و برخی دیگر از کشورها رئیس جمهور نیز توسط مجلس انتخاب می شود و وزرا از بین نمایندگان مجلس برگزیده شده و همزمان دارای شأن نمایندگی نیز هستند. نصب رئیس قوه قضائیه و فرماندهان نیروهای مسلح و یا تغییر قانون اساسی باید طی فرآیند خاصی به تصویب مجلس برسد.درجمهوری اسلامی اگرچه مجلس در قانون اساسی در عرض سایر قوا دیده شده اما به جهت جایگاه مهمی که در تصویب قوانین لازم الاجرا برای قوه مجریه و قضائیه و نیروهای مسلح و سایر بخش ها دارد و اختیاراتی که در رای اعتماد و استیضاح وزرا و بررسی عدم کفایت رئیس جمهور و تصویب برنامه و بودجه کشور و انجام تحقیق و تفحص در همه امور کشور داراست و از انحلال آن توسط سایر قوا سخنی به میان نیامده و کشور بدون مجلس و قوه‌مقننه قابل تصور دانسته نشده اما همچنان بخشی از ظرفیت فراقوه‌ای را دارا می باشد از طرفی بنیانگذار جمهوری اسلامی با توجهی که به اهمیت و حساسیت امر داشتند مجلس را رأس قوا و امور دانستند و باعث شده تا سطح انتظار و معیار شأن مجلس و نمایندگی در جمهوری اسلامی بالا باشد. فضای عمومی کشور در سال ۸۶باشعار اتحاد ملی و انسجام اسلامی آغشته بود، برخی خوش بینانه گستره این شعار را ایران برای همه ایرانیان تلقی می کردند؛ برداشتی که قرین نیاز و واقعیت ایران است. جامعه ایران متکثرالقوم، دارای سابقه دیرین تاریخی و فرهنگی دارای یکصدسال تجربه مجلس از زمان مشروطیت، دارای چهاردرصد تحصیلکرده در سطح آموزش عالی و دارای ارتباط گسترده جهانی و منطقه‌ای است و چنین برداشتی از سطح و گستره وحدت نه تنها آرمانی و ایده‌آلی نیست بلکه نیاز دائمی است و باید به عنوان یک استراتژی همیشگی مورد تاکید قرار گیرد. نگاه دیگری با بدبینی پیش بینی می کرد که این شعار هم تاثیری در روند و رفتارهای رسمی ندارد بلکه به وسیله‌ای برای حساب کشی و اسکات و مواخذه رقبا تبدیل خواهد شد که باحذف جناح اصلاح طلب از انتخابات هشتم متاسفانه نظریه دوم به اثبات رسید و مرزبندی‌ها نه تنها گسترده‌تر نشد بلکه همچنان دامنه آن تنگ‌تر می‌شود. انتخابات مجلس در چنین حال و هوایی کلید خورد، دولت نهم ومجلس هفتم تردیدی در موفقیت‌های بی مانند و بدیع و کم‌سابقه و بی سابقه خود نداشتند، احساس می کردند که کشور را در همه زمینه‌ها به اوج قله‌های ترقی رسانده‌اند. درعرصه بین‌المللی ایران به ابرقدرت بلامنازع تبدیل گردیده، در اقتصاد داخلی بااجرای طرح‌های بی شمار عمرانی آرزوی دیرین مناطق عملی شده، طرح‌های زودبازده شکاف مناطق برخوردار از غیربرخوردار را رفع و نرخ بیکاری برای اولین بار یک رقمی شده، فساد اداری ریشه‌کن و مافیای قدرت متلاشی و فضای فرهنگی کشور عطرآگین گردیده، با بردن نفت بر سر سفره مردم و تثبیت قیمت‌ها و طرح ۹۹ ساله زمین و سهام عدالت طبقات محروم و ضعیف از دغدغه همیشگی مسکن و معیشت نجات یافته‌اند و همه این موفقیت‌ها طی چهار سال گذشته و در درجه اول غلبه دیدگاه اصولگرایی در حاکمیت سیاسی و در مرحله بعد یکدستی در قوای سه گانه و طرد و نفی اصلاح طلبان و مدیریت ۲۵ سال گذشته میسر گشته است بنابراین به خود حق می دادند که بدون دغدغه و محدودیت سازوکار انتخابات را طراحی و به اجرا گذارند. در نصب استانداران و فرمانداران نظامی و نصب فردی نظامی در ریاست ستاد انتخابات اعتنایی به حساسیت‌های اجتماعی نکنند.در اصلاح قوانین توجهی به اشکالات اصلی در قوانین از جمله عدم تناسب جرائم و مجازات‌ها و شفافیت و تبیین معیارهای بی‌طرفی مقامات و ناظرین و مجریان و دستگاه‌های دولتی نشد تا جایی که فرماندهان نظامی بدون پرده‌پوشی و به طور علنی از لزوم حمایت از یک جناح سیاسی و مخالفت با جناح دیگر سخن گفتند و در این رویه آنچنان زیاده‌روی کردند که واکنش نوه گرامی امام(ره)و رئیس موسسه نشر آثار را باعث و با این هشدار نیز بهوش نیامدند، رسانه ملی و تریبون‌های تبلیغی و از جمله یکی از ائمه موقت جمعه تهران بدون محدودیت از جناح اصولگرا حمایت نمودند و بالعکس در جهت محدودیت رقبا بیشترین تلاش صورت گرفت تا جایی که چاپ پوستر و بنر که تنها امکان نیروهای مستقل و رقیب برای معرفی خود به جامعه بود با وضع قانون ممنوع و سن رای‌دهندگان از ۱۵ سال به ۱۸ سال تغییر کرد.در بررسی صلاحیت‌ها همین بس که هیات‌های اجرایی تصور کرده بودند هر که با دولت احمدی‌نژاد نیست علیه او و ممنوع از ورود به عرصه انتخابات است و انتقاد از احمدی‌نژاد به‌عنوان خط قرمزی جدید به ادبیات سیاسی کشور وارد شد و برای اولین بار تیغ قلع و قمع در دست هیات‌های اجرایی قرار گرفت و تاییدهای سیاسی اولیه مقامات از این رویه به سرعت فروکش کرده و لزوم بازنگری و بازگرداندن ردصلاحیت‌شدگان به شعار رسمی تبدیل شد. ادامه در صفحه ۲

نگاه روز

چرا به تورم و گرانی رای دهیم؟

محمدعلی مشفق

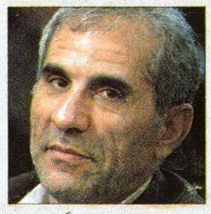

زمان آن فرا رسیده است تا مردم ایران با نگاهی فراحساسی و حماسی، بل با نگاهی همراه با شناخت همه‌جانبه از مسوولیت‌های نمایندگان در قانون اساسی و ملاحظات ملی و میهنی، به نمایندگانی رای دهند که از توانمندی‌های لازم و کافی در عملیاتی کردن اصول مختلف قانون‌اساسی و منافع ملی با تصویب قوانین جامع و مانع و باثبات، برخوردار باشند و کمتر با نگاه سیاهی و سفیدی رای دهند. تجربه دهه‌های اخیر نشان می دهد که مردم ایران در شهرهای بزرگ بیشتر با نگاهی سیاسی، حزبی و در شهرهای کوچک و روستاها با نگاه محلی، قومی و منطقه‌ای به انتخاب نمایندگان مبادرت می‌نمایند که قدم‌هایی به جلو محسوب می گردد بنابراین می توان گفت که معدل آرای مردم در دوره‌های مختلف مجلس، کمتر از یک معیار و ملاک قاعده‌مند، مشخص و پیش بینی‌پذیر تبعیت کرده است تا بتوان ثوری آن را در قالب یک الگو و مدل مطلوب اداره کشور در یک روند و سیر تکاملی ترسیم و تبیین کرد و چنین به نظر می رسد که منحنی منبعث از این روند مبین دست به دست شدن سیستم قانونگذاری و اجرا توسط دو جریان سیاسی چپ و راست در کشور با فراز و فرودهای آن بوده است و غالباً مقوله قانون گذاری کمتر در جهت اجرایی کردن اصول قانون اساسی بوده و بیشتر در تابعیت ساخت قدرت حاکم و یا همراه با ملت و تاحدودی ناهمراه با ساخت قدرت در بعضی از مقاطع بوده است. تجربه برگزاری هفت دوره انتخابات مجلس و ۹ دوره ریاست جمهوری نشان می دهد که مردم ایران به صورت سبنوسی رای می دهند و ظاهرا در هر دوره‌ای با رایشان، دولت‌ها و مجلس‌های گذشته خود را نفی می کنند و به قول میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی (نقل به مضمون) چنین به نظر می رسد که مردم ایران نمی دانند به دنبال چه چیزی هستند تا با تکیه بر یکی از گفتمان های اصلاح طلبانه و یا محافظه کارانه اهداف و آرمان‌های خود را پی گیرند؛ به طوری که در هر دوره با نگرشی مبتنی بر آزمون و خطا سرنوشت خود را رقم می زنند و عملا به دلیل غلبه نگرش های جناحی و حزبی رشدنایافته تکامل نیافته و به خواست‌ها، اولویت‌های ملی و فرصت‌های پیش روی کشور اهتمام لازم و کافی نمی گردد به طوری که نحوه قانون گذاری مجلس در دوره‌های مختلف هم بیشتر تابعی از چنین نگرش ها و گفتمان هایی بوده است. بنابراین مصوبات مجلس گذشته به جز در موارد استثنایی، کمتر ناظر به عملیاتی کردن همه اصول قانون اساسی و تهیه نقشه راه برای دولت‌ها و حکومتگران بوده است تا با تحقق خواست‌ها و انتظارات ملی و عبور دادن ملت از بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، نابرابری، تبعیض، فاصله طبقاتی و بهروزی، حیات مادی و معنوی مردم بهبود یابد از دیگر سو آیا خود مردم هم که این مجالس را با رأی‌شان شکل داده‌اند مسوولیت نداشته و ندارند؟ و آیا مردم با اشراف و آگاهی از توانمندی‌ها و کارایی داوطلبان عرصه نمایندگی، به دادن رأی به آنان مبادرت نموده‌اند؟ این پاسخی است که واقعیت‌های امروز کشور آن را به خوبی نشان می دهد. آیا اگر دولت نهم سیاست تهاجمی را به جای سیاست اعتمادسازی و تعامل مثبت دولت گذشته با کشورهای جهان در دستور کار خود قرار می دهد نمایندگان مجلس هفتم همه ابعاد و تبعات مثبت و منفی اتخاذ چنین سیاست‌هایی را برای ملت و منافع ملی ارزیابی کرده‌اند؟ و از دولت سوال کرده‌اند که پشتوانه‌های استدلالی، حقوقی، قانونی و مصلحت‌های ملی و میهنی و دستاورد چنین سیاست‌هایی را مورد ملاحظه قرار داده است؟ به نظر می رسد مجالس گذشته و به طور خاص مجلس هفتم کمترین توجهش را معطوف به این مهم نموده است. به بیان دیگر آیا نمایندگان مجلس هفتم توانسته‌اند با تصویب قوانین جامع، سیاست‌های دولت نهم را با ابتنا به قانون به گونه‌ای نظم ببخشند تا مردم شاهد افزایش نابرابری، فاصله طبقاتی، تبعیض و از هم گسیختگی اقتصادی کشور و تورم کمرشکن نباشند و اکثریت قریب به اتفاق کارمندان دولت، کارگران واحدهای تولیدی و... در زیر خط فقر و فلاکت له نشوند و برخلاف تمام کشورهای جهان که با افزایش درآمدها وضعیت اقتصادی مردم ارتقا می یابد در دولت نهم با افزایش درآمدهای نفتی (سالانه حدود ۷۵ میلیارد دلار) نه‌تنها وضعیت اقتصادی مردم و کشور بهتر نشده، بلکه مردم در زیر بار سنگین سیاست‌های نادرست نحوه هزینه کرد درآمدهای نفتی و سیاست‌های عجیب و غریب دولت، بیش از سال‌های گذشته فقیر شده‌اند به گونه‌ای که خیلی‌ها به ناحق نفت را عامل عقب‌ماندگی و توسعه‌نایافتگی جمهوری اسلامی ایران می دانند. حال نباید ملت از مجلس هفتم توضیح بخواهد که چرا با عدم تصویب قوانین بازدارنده و نظارت بر سیاست‌های ناکارآمد دولت، مانع نابسامانی‌های فزاینده بر مردم و کشور نشده است؟ پس می توان گفت که اصلاح کاستی‌ها و کژکارکردهای دولت در عرصه سیاست داخلی و خارجی و بحران اقتصادی و تورم فزاینده و بیکاری گسترده و شکست سیاست‌های اعمال شده در بنگاه‌های زودبازده و دیگر معضلات متعدد کشور در گرو انتخاب نمایندگان مجرب، کارآمد، متخصص، شجاع و مدبر است و نباید مردم در یک فضای احساسی و عاطفی و صرفا تکلیفی به داوطلبانی رای دهند که در سال‌های اخیر حرف‌های راست‌شان بعضا دروغ از آب درآمده است بلکه باید با دوراندیشی، شناخت و اشراف همه‌جانبه به توانایی‌های مدیریتی، علمی و تخصصی داوطلبان به برترین‌های موجود که از صافی‌های بسته شورای نگهبان عبور کرده‌اند رای دهند بدان امید که مجلسی در حد منزلت و شأن ملت ایران در شرایط نگران کننده امروز تحقق یابد.

گفت وگو با مسعود سلطانی‌فر نامزد حزب اعتماد ملی

یکی از مهم ترین برنامه‌های ما اصلاح قانون انتخابات است

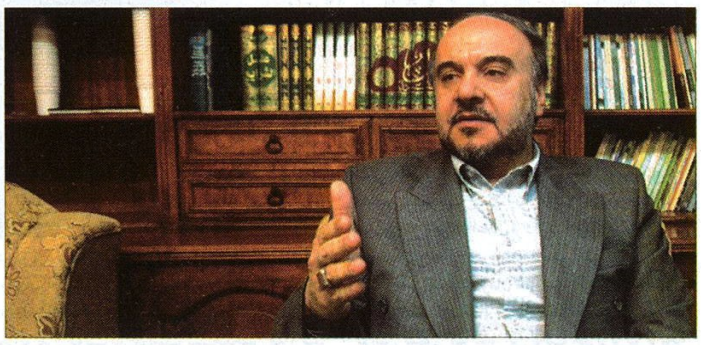

مسعود سلطانی فر پس از تصدی سمت های اجرایی مختلف از جمله استانداری استان های هرمزگان وگیلان تسلط ویژه ای بر امور اجرایی پیدا کرده است .او این روزها بار ستاد انتخابات حزب اعتماد ملی را به همراه دیگر اعضای حزب بر دوش می کشد تا خود و همفکرانش راهی مجلس هشتم شوند. سلطانی فر درگفت‌وگو با آفتاب روند فعالیت های انتخاباتی حزب اعتماد ملی و برنامه های این حزب را تشریح کرده است.

آقای سلطانی‌فر ابتدا مختصری از فعالیت‌های انتخاباتی حزب اعتماد ملی و آخرین وضعیت انتخاباتی خود بگویید.

ستاد انتخاباتی حزب اعتماد ملی از یک سال قبل تشکیل شد و می توان گفت که اعتماد ملی کار انتخاباتی خود را از همه تشکل های سیاسی و احزاب مختلف، زودتر آغاز کرد. علتش هم این بود که فکر می کردیم باید در همه مراحل با برنامه گام برداریم و در حقیقت بدانیم که می خواهیم حزب را به کدام سمت ببریم و هدف ما چیست. از سوی دیگر خودمان را محدود نکردیم و به همه هواداران نیز اعلام کردیم که انتخابات یک آزمون است و یک حزب نباید انتهای خود را در شکست یا پیروزی در انتخابات تعریف کند. حزب اعتماد ملی را می توان اولین حزبی دانست که خارج از قدرت تشکیل شده است به این معنا زمانی که آقای کروبی از قدرت بیرون آمده با یکسری فعالان سیاسی جلساتی تشکیل داد که این افراد یا نماینده مجلس بودند و یا وزیر، معاون وزیر، استاندارد در کل کسانی بودند که دغدغه حل مشکلات و رشد کشور را داشتند. روزهای پس از انتخابات ریاست جمهوری وقتی آقای کروبی گفت:«قصد تاسیس یک حزب را دارد بسیاری گمان کردند که ایشان یک حرف زده و چند ماه دیگر هم از خاطرش می رود. واقعیت این است که بسیاری از دوستان ما هم فکر کردند که آقای کروبی در بلندمدت، برقضیه تاسیس حزب، اهتمام و پافشاری نخواهد کرد اما بعد شاهد همت خاص و اشتیاق عجیب ایشان در پیگیری مسائل حزب بودیم. حزب اعتماد ملی معتقد است که عنصر سیاسی موفق نباید بعد از هر پیروزی مغرور و بعد از هر شکست مأیوس شود، ضمن این که وارد شدن به سیاست فراز و نشیب بسیار دارد و اگر کسی می خواهد وارد این عرصه شود باید تحمل همه بالا و پایین ها را داشته باشد. در حقیقت اولین آزمون حزب اعتماد ملی سال پیش و در انتخابات شوراها بود در آن انتخابات با توجه به محدودیت کاندیداها و همچنین محدودیت زمینه کاری و فعالیت شوراهای اسلامی شهر و روستا و نوپا بودن حزب به این نتیجه رسیدیم که در قالب «ائتلاف اطلاح طلبان» وارد عرصه انتخابات شویم و در نهایت ما در این انتخابات دو کاندیدای حزبی داشتیم و از ائتلاف اطلاح طلبان حمایت کردیم. به نظر من پس از شکست سنگین اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری انتخابات شوراها یک پیروزی قابل توجه بود. گرچه در تهران تنها ۴ اصلاح طلب توانستند به شوراها راه پیدا کنند، اما ارزیابی های ما در کل کشور نشان می دهد مجموعه اصلاح طلبان برتری نسبی داشتند و رایحه خوش خدمت که در حقیقت منتسب به طیف دولت است، شکست خورد. در این جا باید به نکته قابل تأملی اشاره کنم و آن این است که در سال ۷۷ طرفداران آقای خاتمی و مجموعه اصلاح طلبان در انتخابات شوراها پیروز شدند، سال ۷۸ انتخابات مجلس ششم با پیروزی قاطع اصلاح طلبان برگزار شد و در سال ۸۰ آقای خاتمی با ۲۲ میلیون رای در انتخابات ریاست جمهوری پیروز میدان شدند، یعنی این منحنی رو به بالا بود. دوره سقوط این منحنی و افت موقعیت اصلاح طلبان از سال ۸۲ یا ۸۳ به بعد آغاز شد و در نتیجه طیف اصلاح طلب به دلیل برخی مشکلات درونی و مسائل دیگر دچار افت و تزلزل شدند. حال باید یادآوری کنم که دولت کنونی در سال ۸۴ به قدرت رسید و در انتخابات سال بعد طیف حامی آن با شکست مواجه شد. این امر نشان می دهد که دوره سقوط یا تزلزل و یا عدم اقبال مردم به این جریان، یک سال پس از به قدرت رسیدن این طیف آغاز شده است. در هر صورت، هنگامی که ما کار را شروع کردیم می دانستیم نباید انتظار پیروزی جدی در انتخابات مجلس را داشته باشیم اگر چه در شرایط آزاد و رقابتی، با توجه به عملکرد دولت در دو سال گذشته و مشکلات ایجاد شده، می توانستیم اکثریت مجلس هشتم را در اختیار بگیریم یعنی اگر ما می توانستیم ۲۹۰ کاندیدا داشته باشیم، فرصت های برنامه ریزی، سازماندهی و تبلیغات از ما گرفته نمی شد و امکانات رقابت تامین می شد مطمئناً می توانستیم در این انتخابات پیروز باشیم. حزب اعتماد ملی از چندی پیش جلسات مکرری درباره انتخابات مجلس هشتم برگزار کرد و به مرور که به انتخابات نزدیک شدیم، مراحل جدی تری را برای آمادگی در انتخابات آغاز کردیم یعنی مراحلی نظیر انتخاب کاندیداها در سراسر کشور، سازماندهی مراکز، صیانت از آرا، چگونگی تبلیغات و سایر موارد مرتبط. اعتمادملی برای ۲۶۰ کرسی مجلس نامزد انتخاباتی داشت.

با اضافه شدن کاندیداهای جدید که مورد حمایت حزب اعتماد ملی هم هستند، آیا می توانیم نسبت به اصلاح ساختار انتخابات در ایران امیدوار باشیم؟

این موضوع یکی از برنامه‌های ما است اگر فراکسیون حزب اعتماد ملی بتواند با تعداد قابل توجهی تشکیل شود، یکی از مهمترین برنامه‌هایشان اصلاح قانون انتخابات است. لیست نهایی اعتماد ملی و لیست ائتلاف اصلاح طلبان، چه میزان با یکدیگر مشترک است. ضمن اینکه اصلاح طلبان معتقد بودند، آقای کروبی به تنهایی اقدام کرده و به گونه‌ای سایر احزاب اصلاح طلب را جا گذاشته است. ما اختلافی با مجموعه اصلاح طلب ها نداریم. کاندیداهای ما در استان‌ها بیش از ۸۰ درصد مشترک هستند تعاملات و همکاری های ما نیز با یکدیگر بسیار گسترده است، اما تصمیم دوستان اعتماد ملی بر این است که بتوانند در این انتخابات یک فعالیت حزبی داشته باشند یعنی می خواهیم تفکر حزبی را نهادینه کنیم. ما اعتقاد داریم که فرآیند استقرار دموکراسی و مردم‌سالاری دینی، پروژه محدودی نیست و چند دهه یا شاید چند صد سال به طول بکشد. بنابر اعتقاد حزب اعتماد ملی، تفکر حزبی باید در جامعه به وجود بیاید. بسیاری از احزاب سیاسی در داخل حکومت تشکیل شدند اما هنگامی که از قدرت خارج می شوند و یا چون به دنبال سازماندهی و برنامه‌ریزی نبودند، به محض این که به اولین بحران می خوردند، با فروپاشی آنی یا فروپاشی تدریجی مواجه می شدند. ما فکر کردیم این بار با وجود پرداخت هزینه های بالا، مستقل عمل کنیم و امیدوارم در بلندمدت تاثیر مثبتی در فرآیند توسعه سیاسی کشور بگذارد.

به طور مشخص برنامه شما برای مجلس و برای حل مشکلات کشور چیست؟ محورهای مهم برنامه هایتان را توضیح دهید.

ما در اقتصاد پتانسیل بالایی را برای ایجاد ثروت در کشورمان در اختیار داریم. برخلاف حرکت دولت فعلی، ما معتقدیم که باید از منابع کشور استفاده و با فرمول های شناخته شده، ثروت ایجاد کنیم. درآمد سرانه امروز ما با نفت نود و چند دلار در بهترین شرایط است. مرحوم دکتر عظیمی که به بحث توسعه با نگاه عدالت اجتماعی در اقتصاد می پرداختند در جلسه‌ای می گفتند: «کشور ما پتانسیل این را هم دارد که درآمد سرانه ما از ۳۰ هزار دلار هم بیشتر شود» ایشان بر اساس شاخص ها و اعداد این مطالب را مطرح می کردند. ما با نفت نود و چند دلار، ۳۷۸۰ دلار درآمد سرانه داریم. بنابراین یکی از مهم ترین برنامه های ما این است که بررسی کنیم چگونه می توانیم با حفظ ارزش هایمان، در عرصه های مختلف در فعالیت های اقتصادی گسترش ایجاد کنیم و به تبع آن مشکل اشتغال را حل کنیم، درآمد سالانه مان را بالا ببریم. نظام مالیاتی را تقویت کنیم، آموزش و پرورش فراگیر، بهداشت و درمان مناسب داشته باشیم و در کل بتوانیم تمامی شاخص های یک جامعه توسعه یافته را دنبال کنیم. در عرصه مسائل بین المللی فکر می کنیم که باید یک تعامل سازنده و منطقی داشته باشیم. در دوره اصلاحات قرائتی که از حکومت اسلامی ارائه شد، مورد استقبال دنیا قرار گرفت، کشورهایی که تا قبل از آن حاضر نبودند با ایران ارتباط داشته باشند، رئیس جمهورمان را دعوت کردند. آقای خاتمی به کشورهایی نظیر ایتالیا، فرانسه، آلمان، ژاپن و روسیه سفر کردند در صورتی که این کشورها به دلیل منازعاتی که با ایران داشتند، حاضر نبودند در این سطح با ما ارتباط داشته باشند. اگر چه ما هم انتقادات جدی نسبت به این کشورها داشتیم اما به هر حال قرائت جدیدی از حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی ارائه شد، از جمله توجه به چارچوب حفظ حقوق مردم و چگونگی تعامل با دنیا و ... تا چند ماه پیش از روی کار آمدن دولت اصلاحات، بسیاری از کشورها و قدرت های بزرگ دنیا، سفیران خود را از ایران فراخوانده بودند و ما در بدترین موقعیت دیپلماتیک بودیم که در دوره آقای خاتمی به بهترین شرایط دیپلماتیک رسیدیم و توانستیم بسیاری از مشکلات موجود را حل کنیم. عده‌ای معتقدند اگر بخواهیم وارد دهکده جهانی شویم، باید اصول و مبانی فکری خود را کنار بگذاریم اما دولت اصلاحات نشان داد می شود با حفظ اصول هم با دنیا ارتباط برقرار کرد. ما معتقدیم، مردم ایران مستحق زندگی بهتر هستند، مستحق آموزش و پرورش بهتر، امکانات بهداشتی و درمانی، تامین اجتماعی و... ما باید روی این مسائل در مجلس کار کنیم البته این مسائل در قانون اساسی ما موجودند و ما می خواهیم این امکانات بالقوه به بالفعل تبدیل شوند.

نگاه حزب

زنان و فعالیت اقتصادی

وحید محمودی*

یکی از شاخص های بخش توسعه یافتگی در یک کشور علاوه بر سهم مشارکت جمعیتی واقعی در سنین فعالیت در بازار کار «نرخ مشارکت نیروی کار»، میزان مشارکت و نقشی است که زنان در آن کشور دارا هستند.

به رغم اهمیت نقش زنان در فرآیند توسعه در اغلب کشورهای درحال توسعه، کشور ایران با شرایط مطلوب فاصله قابل توجهی دارد.

آمار نشان می دهد که نرخ مشارکت مردان از ۵۹/۲۲ درصد در سال ۷۶ به ۶۲/۱ درصد در سال ۸۰ رسیده است.

درحالی که نرخ مشارکت زنان از ۹/۹۵ درسال ۷۶ به ۱۱/۸۶ در سال ۷۷ افزایش می یابد و در بقیه سال های مورد بررسی نیز در همین حد بوده و در سال ۱۳۸۰ به ۱۱/۸ رسیده است.

نکته‌ای که لازم به ذکر است اینکه نرخ مشارکت زنان در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است. در سال ۸۰ این نرخ درمناطق شهری برای زنان ۹/۹ و در مناطق روستایی ۱۴/۴ می باشد.

با این وجود هنوز نرخ مشارکت مردان ۵ برابر نرخ مشارکت زنان در کشور است.

از مهم ترین عوامل موثر بر نرخ مشارکت زنان، سطح تحصیلات آنان است. نرخ مشارکت زنان دارای تحصیلات عالی در سال ۱۳۷۵ بیش از ۵ برابر نرخ مشارکت زنان جامعه است. به همین سبب در سال های اخیر افزایش تقاضای زنان برای ادامه تحصیل در سطوح متوسطه و عالی باعث تغییرات شگرفی در بازار کار شده است.

نرخ بیکاری زنان در طول سال های مورد بررسی نشان می دهد این نرخ در طول این سال ها در حال افزایش بوده است. در سال ۷۶ نرخ بیکاری زنان ۱۴/۹ بوده که به ۱۹/۹ در سال ۸۰ افزایش یافته است که با توجه به افزایش ورود دختران به دانشگاه ها در آینده چنانچه فرصت های اشتغال افزایش نیابد، بیشتر نیز خواهد شد.

یعنی ۵ درصد رشد نرخ بیکاری در سال ۸۰ نسبت به سال ۷۶ را در زنان شاهد هستیم درحالی که در همین زمان در مردان این نرخ تنها ۰/۴ درصد افزایش یافته است. نرخ بیکاری در مناطق شهری به مراتب بیشتر از مناطق روستایی است. در سال ۸۰ نرخ بیکاری زنان در مناطق شهری ۲۷/۵ و در مناطق روستایی ۱۱/۸ است.

نظر به تغییر و تحولات در سطح دولت و برنامه تعدیل نیرو و کوچک شدن ساختار دولت و واگذاری قسمت های مختلف، زنان بیشترین حضور را در بخش آموزش و بهداشت دارند. حضور زنان در بخش مدیریت و تصمیم‌سازی نیاز به رشد بیشتری دارد.

براساس مطالعات انجام شده، بسیاری از فعالیت های زراعی و دامی به خصوص در برخی از مناطق شمالی و جنوبی کشور را نیروی کار زنان تأمین می کند. اشتغال غیررسمی زنان در روستاها این فرصت را به وجود می آورد که از طریق ابتکاراتی، مشارکت اقتصادی سازمان یافته زنان را در کشور گسترش داد.

در این زمینه دو وزارتخانه کشاورزی و جهاد کشاورزی اقداماتی را به عمل آورده‌اند که مهم ترین آنها فعالیت های آموزشی - ترویجی، سازماندهی بافندگان فرش دستباف، ایجاد شبکه های تولیدی زنان روستایی، تشکیل گروه گسترش تعاونی ها و سازمان های غیردولتی زنان بوده است.

دولت در سال ۷۷ اقدام به تصویب قانونی به منظور معافیت کامل از پرداخت ۲۰درصد سهم آورده در تعاونی هایی که ۷۰درصد اعضایشان زن می باشد، نمود. تاثیر این قانون در افزایش ۱/۵ برابری تعاونی های زنان طی سال های ۷۷ تا ۷۹ مشهود است.

وزارت تعاون آماری را در شهریور ۱۳۸۱ ارائه کرد که نشان می داد تا پایان شهریور ۸۱ تعداد ۶۷۷۲ شرکت تعاونی فعال زنان به ثبت رسیده است.

لازم به ذکر است که زنان در سازمان های غیردولتی نیز توانسته‌اند هرچند غیرانتفاعی - نه اقتصادی - اما به روند رو به توسعه اقتصادی اجتماع کمک کنند و حوزه اقدامات خود را به محورهای فرهنگی و صنفی، تخصصی و اجتماعی گسترش دهند.

***استاد دانشگاه و نامزد حزب اعتماد ملی در تهران**

ایستگاه سیاست

چرا زنان ۵۰ درصد مدیریت ها را نداشته باشند؟

نجمه گودرزی*

عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی و کاندیدای مجلس هشتم با تاکید بر اینکه در صورت پیروزی در انتخابات، در مجلس آینده پیگیری خواهد شد که زنان با توجه به جایگاهشان به حق و حقوق خود برسند، از اعمال تبعیض در پذیرش دانشجویان دانشگاه ها برای برقراری تناسب میان تحصیلکردگان زن و مرد، انتقاد کرد.

نجمه گودرزی در گفت وگو با سایت روزنا درباره اعمال تبعیض جنسیتی در پذیرش دانشجویان دانشگاه ها، با اشاره به این که ۳۶ درصد از زنان شاغل دارای تحصیلات عالیه هستند، در حالی که فقط ۱۰ درصد از مردان شاغل تحصیل کرده هستند، اظهار داشت: با توجه به این آمار می توان متوجه شد که زنان با توجه به فضای جامعه، هم فرصت و هم اهمیت بیشتری به این مساله می دهند. همچنین آنها در مورد رده های بالا هم انتظار دارند.

شایعه تبعیض جنسیتی در پذیرش دختران برای ورود به دانشگاه های سراسری از مدت ها پیش بر سر زبان ها بود. چند سال پیش این شایعه قوت گرفته بود که تبعیض جنسیتی به صورت مخفی در سهمیه کنکور داوطلبان اعمال می شود اما این مساله در دولت نهم و مجلس هشتم به صورت رسمی اعلام شد. البته جامعه شناسان و اقتصاد دانان در این زمینه نظریه های متفاوت و گاه مخالف یکدیگر ارائه کردند و به بررسی پیامدهای آن و همچنین دلایل رخ دادن این پدیده پرداختند.

وی تصریح کرد: اگر می خواهند این نسبت را در ظرفیت دانشگاهی ارائه و جنسیتی برخورد کنند و به عنوان مثال این میزان را ۵۰ درصد دختران و ۵۰ درصد پسران بیان کنند، در صورت استقبال آقایان خوب است، اما چرا این درصد را در پست های مدیریتی، بنا به تناسب، ۵۰ درصدی نمی کنند که البته این موضوع خود جای سوال دارد.

عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی افزود: اگر قرار است تناسب، برابری و تساوی در این حقوق وجود داشته باشد، چرا حقوق زنان در این مورد تضییع می شود؟

گودرزی با اشاره به این که حدود ۵۱ درصد جامعه را زنان تشکیل می دهند، این سوال را مطرح کرد که چه طور امکان دارد در مجلس، پست های مدیریتی، تصمیم گیری و تصمیم سازی به ۵۰ درصد نمی رسد ولی می خواهند این سهمیه بندی را در ظرفیت دانشگاه ها اعمال کنند؟

وی ادامه داد: اگر این مساله برای آقایان کارساز بود، خوب است اما من این فکر را نمی کنم؛ زیرا هم در مقاطع متوسطه و هم در دانشگاه ها پسران کمتر متقاضی و کمتر موفق هستند. در نتیجه این مساله را زمانی می توانند اعمال کنند که در موارد دیگر حق زنان ارائه شود.

گودرزی در پاسخ به این سوال که رویکرد شما در مورد عدالت جنسیتی در مجلس آینده چیست؟ گفت: نه تنها من، بلکه حزب اعتماد ملی و نه فقط خانم ها بلکه آقایان نیز نسبت به جامعه زنان، دیدگاه باز و روشنی دارند.

در همه عرصه ها زنان فعال شرکت کرده و این را به اثبات رسانده‌اند؛ بنابراین باید پیگیری کرد تا آنها با توجه به جایگاهشان به حق و حقوق خود برسند. این عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی خاطرنشان کرد: سعی ما این است که بتوانیم این مساله را جا بیندازیم و زنان به جایگاه اصلی خود دست یابند.

گودرزی با تایید این مساله که در صورت بسته شدن روزنه ادامه تحصیل برای دختران، زمینه برای بروز اقدامات افراطی در جامعه فراهم خواهد شد، تصریح کرد: قرآن کریم این مفهوم را می رساند که هر زمان شرایط خاص خود را دارد، نه اینکه ما اصل را فراموش کنیم و در این مورد باید توجه کرد که قرآن به روز است.

به عنوان مثال اگر آن زمان برای حجاب، پوشیه مطرح بوده، اکنون دیگر پوشیه نیست؛ زیرا زنان وارد عرصه شده و پوشش و عفاف باید به معنی واقعی باشد.

وی با اشاره به این جمله که مرد از دامن زن به معراج می رود، تاکید کرد: زن رکن اساسی خانواده را تشکیل می دهد. اکنون نیز فرزندان زمانی والدینشان را می پذیرند که آنها تحصیلکرده باشند و بر اساس علم و منطق صحبت کنند.

***نامزد حزب اعتماد ملی در تهران**